

آیین مهرورزی

ویرایش سوم

محمد رضا کاشفی

بوستان کتاب
۱۳۹۴

فهرست مطالب

۱۷	پیش‌گفتار
۱۷	ضرورت بحث از محبت
۱۷	نیاز به محبت
۱۷	نیازهای بدنی
۱۸	نیازهای روانی
۱۹	حصول محبت محتاج دانش و کوشش

فصل اول: تئوری محبت

۲۳	محبت چراغی پر فروغ برای فایق آمدن بر تاریکی تنهایی
۲۶	ایثار چیست؟
۲۷	محبت راهی به سوی یگانگی
۳۳	محبت و عفت

فصل دوم: محبت

۳۷	معنای محبت
۳۹	انقسام محبت

- ۳۹ ۱. محبت حسی یا طبیعی
- ۴۰ ۲. محبت خیالی یا وهمی
- ۴۰ ۳. محبت عقلی
- ۴۱ درجات محبت
- ۴۴ اسباب محبت
- ۴۴ ۱. حُب ذات
- ۴۶ ۲. احسان
- ۴۷ ۳. حُسن و جمال
- ۴۷ معنای حُسن و جمال
- ۴۹ ۴. تناسب ظاهری
- ۵۰ ۵. اَلت
- ۵۰ ۶. محبت معلول به علت خود
- ۵۱ ۷. محبت طرفینی دو معلول که علت واحدی دارند
- ۵۲ محبت در قرآن

فصل سوم: کاوشی در ابعاد عشق

- ۵۵ ۱. معنای عشق
- ۵۶ ۲. عشق و معرفت
- ۵۷ ۳. مبدأ عشق
- ۵۸ ۴. اسباب عشق
- ۵۹ الف) کمال جویی
- ۶۰ ب) جمال خواهی
- ۶۱ ۵. جریان عشق
- ۶۲ ۶. مبانی عشق

۶۵	۷. عشق حقیقی
۶۷	۸. عشق مجازی
۶۹	۹. عشق کاذب
۷۱	۱۰. چند تذکر

فصل چهارم: محبت به خداوند سبحان

۷۵	خداوند، یگانه محبوب واقعی
۷۵	۱. حُب ذات
۷۶	۲. احسان
۷۷	۳. جمال
۸۲	راه‌های حصول محبت به خدا
۸۲	الف (نظری
۸۳	راه دل یا فطرت (عرفان)
۸۴	راه حس و علم یا راه طبیعت (علوم طبیعی)
۸۵	راه عقل و استدلال (فلسفه)
۸۷	ب) راه عملی
۸۸	نشانه‌های محبت انسان به خدا
۱۰۲	محبت خدا به بندگان
۱۰۳	معنای حُب و بغض حق تعالی
۱۰۵	نشانه‌های عشق حق به بنده

فصل پنجم: محبت به رسول اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ

۱۰۹	محبت به رسول اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ
۱۱۰	دلیل عقلی

- ۱۱۱ الف) احسان:
۱۱۲ ب) جمال:
۱۱۴ دلیل نقلی
۱۱۸ راه حصول محبت حضرت رسول ﷺ و اهل البیت علیهم السلام
۱۱۸ الف) نظری
۱۲۱ ب) عملی
bookroom.ir

فصل ششم: محبت به دوست

- ۱۲۵ نیاز به دوست
۱۲۸ گزینش دوست
۱۳۰ شناخت دوست
۱۳۰ روش گزینش
۱۳۳ با که دوستی بورزیم؟
۱۳۴ نخست: ایمان و مؤمنان
۱۳۶ دوم: دانش و دانشمندان
۱۳۶ سوم: حکمت و فرزاتگان
۱۳۷ چهارم: خرد و خردمندان
۱۳۷ پنجم: تقوا و متقیان
۱۳۸ ششم: نیکی و نیکان
۱۳۹ هفتم: صداقت و صادقان
۱۴۰ با که دوستی مورزیم؟
۱۴۱ ۱. دوستی با احمق
۱۴۱ ۲. دوستی با بخیل
۱۴۱ ۳. دوستی با بدکار
bookroom.ir

۱۴۲	۴. دوستی با دروغ‌گو
۱۴۲	۵. دوستی با چاپلوس
۱۴۲	۶. دوستی با خائن و سخن‌چین و ستمگر
۱۴۳	پرهیز از دوست بد
۱۴۳	یادآوری
۱۴۵	شیوه‌های ابراز محبت به دوست
۱۴۵	نخست: آداب معاشرت
۱۴۹	دوم: آداب مصاحبت (مهرامی)
۱۵۱	سوم: کمال دوستی و محبت
۱۵۵	حقوق سی‌گانه

فصل هفتم: محبت به همسر

۱۵۷	ضرورت محبت به همسر
۱۶۰	گزینش همسر
۱۶۱	سفارش‌های اسلام به پسران در انتخاب همسر
۱۶۳	سفارش‌های اسلام به دختران در انتخاب همسر
۱۶۳	روش محبت به همسر
۱۶۳	روش محبت به زن
۱۶۵	شناخت زن به عنوان یک انسان
۱۶۹	شناخت زن با نظر به خصوصیات فردی او
۱۷۰	۱. اخلاق نیکو داشتن
۱۷۱	۲. منطقی بودن (سوءظن نداشتن، منفی‌باف نبودن)
۱۷۲	۳. تنها به همسر خود توجه داشتن
۱۷۳	۴. چشم‌پوشی از خطاها

- ۱۷۴ ۵. عذرخواهی
- ۱۷۵ ۶. احترام و تکریم شخصیت زن
- ۱۷۵ ۷. صفا و صداقت
- ۱۷۶ ۸. وفای به عهد
- ۱۷۷ ۹. نظافت و آراستگی
- ۱۷۸ ۱۰. کمک کردن به زن
- ۱۷۹ ۱۱. هدیه دادن
- ۱۸۰ ۱۲. تشکر و قدردانی از زن
- ۱۸۱ روش محبت به شوهر
- ۱۸۲ ۱. خوش خلقی
- ۱۸۳ ۲. پرهیز از سوءظن
- ۱۸۴ ۳. توجه تمام به شوهر خود
- ۱۸۴ ۴. گذشت و اغماض
- ۱۸۴ ۵. عذرخواهی
- ۱۸۵ ۶. صفا و صداقت
- ۱۸۵ ۷. زینت کردن
- ۱۸۶ ۸. هدیه
- ۱۸۶ ۹. تشکر و قدردانی
- ۱۸۷ ۱۰. اطاعت از شوهر
- ۱۸۸ توصیه‌های پنج‌گانه
- ۱۸۸ ۱. به حساب آوردن کار یک‌دیگر
- ۱۸۹ ۲. برخورد با مسائل مالی
- ۱۸۹ ۳. رسیدگی به بستگان در حد اعتدال
- ۱۹۰ ۴. نکته‌هایی در باب مسائل جنسی

۵. اهتمام ورزیدن به رسالت‌ها و مسئولیت‌های دینی و اجتماعی یک‌دیگر ... ۱۹۱

فصل هشتم: محبت به فرزند

- نیاز فرزندان به محبت ۱۹۳
- عوارض طرد فرزند ۱۹۴
- کمبود محبت یکی از عوامل بزهکاری و انحراف ۱۹۵
- نکته اول: بی‌مهری به کودکان ۲۰۰
- نکته دوم: محبت افراطی والدین به فرزندان ۲۰۲
- تعدیل محبت، چه زمان و چه مقدار؟ ۲۰۴
- روش محبت به فرزندان ۲۰۵
- نکته اول ۲۰۵
- نکته دوم ۲۰۶
- نکته سوم ۲۰۷
- دوره خردسالی (از بدو تولد تا شش سالگی) ۲۰۸
۱. نوازش و بوسیدن ۲۰۸
۲. بازی کردن با کودکان ۲۱۱
- چند تذکر ۲۱۲
۳. احترام به کودک ۲۱۲
۴. برابری بین فرزندان ۲۱۴
- دوران کودکی (از شش تا دوازده سالگی) ۲۱۷
۱. احساس حقارت ۲۲۱
۲. انتقام‌جویی ۲۲۱
۳. رفق (نرمش و ملایمت) ۲۲۲
۴. تمجید و ستایش ۲۲۳

۲۲۵ دو توصیه
۲۲۵ ۵. هدیه دادن
۲۲۶ دوره بلوغ (از دوازده تا هجده سالگی)
۲۲۶ خصوصیات عاطفی دوره نوجوانی
۲۲۸ نیازهای روانی دوره نوجوانی
۲۳۲ چند توصیه به والدین

فصل نهم: محبت به پدر و مادر

۲۳۵ ضرورت محبت به والدین
۲۳۷ شیوه محبت به پدر و مادر
۲۳۸ شیوه‌های عملی محبت به والدین
۲۳۸ ۱. خوش خلقی
۲۴۰ ۲. قدردانی و سپاس‌گزاری
۲۴۱ ۳. اطاعت
۲۴۱ ۴. احترام
۲۴۲ ۵. هدیه دادن
۲۴۲ ۶. دیدار

فصل دهم: محبت استاد به شاگرد

۲۴۹ نقش محبت استاد در روح دانش‌پژوه
۲۵۰ رشد عاطفی
۲۵۲ رشد عقلانی
۲۵۴ رشد اجتماعی
۲۵۸ شیوه‌های محبت استاد به شاگرد

۲۵۸	۱. حسن خلق
۲۵۹	۲. چشم پوشی از خطاها
۲۵۹	۳. رعایت مساوات و انصاف
۲۶۰	۴. اجتناب از خشونت
۲۶۱	۵. قدر دانی و تحسین
۲۶۲	۶. حرمت نهادن به شخصیت دانش آموز
۲۶۲	۷. تواضع و فروتنی
۲۶۴	۸. رفق و مدار
۲۶۴	۹. جویا شدن احوال دانش آموزان
۲۶۴	۱۰. اطلاع از نام و مشخصات شاگرد

فصل یازدهم: دگردوستی

۲۶۷	الف) ضرورت دگردوستی
۲۶۹	ب) چگونگی دگر دوستی
۲۷۰	۱. خوش گمانی
۲۷۱	۲. خوش خویی
۲۷۱	۳. ادب
۲۷۲	۴. گشاده رویی
۲۷۲	۵. آشکارا سلام دادن
۲۷۳	۶. وفاداری
۲۷۳	۷. انصاف
۲۷۴	۸. راستگویی
۲۷۴	۹. نرمی
۲۷۵	۱۰. حق مداری

۲۷۶ ۱۱. مدارا و سازگاری

۲۷۶ ۱۲. احسان و خدمت به خلق

۲۷۸ نکته پایانی

۲۸۱ کتاب نامه

از صدای سخن «عشق» ندیدم خوش تر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

حافظه

پیش‌گفتار

ضرورت بحث از محبت

نیاز به محبت

تلاش افراد در زندگی برای تأمین نیازهای اساسی است. تأمین نشدن این نیازها، چه در زمینه بدنی و چه روانی، سبب پیدایی تشویش و اضطراب در افراد می‌شود. معمولاً فرد وقتی دچار اضطراب و تشویش می‌شود که موانعی در راه تأمین نیازهای اساسی او ظاهر شود. فعالیت افراد در هر دوره از رشد، برای تأمین این دسته از احتیاج‌ها فرق می‌کند. با این حال، آنان در تمام ادوار زندگی، این نیازها را برای خود ضروری می‌دانند و برای تأمین آن‌ها حداکثر کوشش را انجام می‌دهند.

نیازهای بدنی

اگر احتیاج‌های اساسی انسان را بر اساس اهمیت آن در ادامه حیات انسان درجه‌بندی کنند، نیازهای بدنی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. این دسته از نیازها دو جنبه دارند: مثبت و منفی. جنبه مثبت، اموری است که تأمین آن‌ها ادامه حیات را ممکن می‌سازد؛ مانند نیاز به اکسیژن، غذا، آب، حرارت، فعالیت و... و جنبه منفی نیازهای بدنی اموری است که پیدایی آن‌ها حیات فرد را به خطر می‌اندازد. بر همین

اساس، محافظت بدن در برابر این گونه امور، ضروری است. جلوگیری از صدمه‌های بدنی و حوادث و بیماری‌هایی که جان آدمی را به خطر می‌اندازند نیز برای ادامه زندگی ضروری است.

نیازهای روانی

به نظر روان‌شناسان، نیازهای روانی به اندازه نیازهای بدنی برای انسان ضروری است. بر همین اساس، نیازهای روانی را جزء احتیاج‌های اساسی قلمداد می‌کنند. از اساسی‌ترین نیازهای روانی افراد - که همواره روان‌شناسان آن را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند - برخوردار بودن از محبت است. بشر در هر دوره از زندگی به محبت نیاز دارد. این احتیاج را پدر و مادر، برادر و خواهر، خویشان و بستگان، هم‌سالان و دوستان، همسر و فرزندان تأمین می‌کنند. اشخاص در طول زندگی با انتخاب دوست، تشکیل خانواده یا مصاحبت با افراد و همکاران به این نیاز پاسخ می‌دهند و اگر از محبت پدر و مادر یا بعضی از دوستان محروم شوند، با انتخاب دوستان تازه این کمبود را جبران می‌کنند و می‌کوشند از طریق دیگر خود را در معرض محبت قرار دهند.

عدم تأمین این نیاز سبب پیدایی تشویش و اضطراب^۱ در افراد می‌شود. کمبود و فقدان محبت، تأثیرات سوء و ضایعات دردناکی در روح افراد به وجود می‌آورد و روابط آن‌ها را با دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد. فردی که مورد بی‌مهری قرار گرفته، خود کم‌بین شده و در او عقده حقارت ایجاد می‌شود، حسود و کینه‌توز بار می‌آید یا به تنهایی و انزوا مایل می‌شود. اگر نوجوان و یا جوانی، در کانون خانواده از محبت سیراب نشود، آن را در خارج از خانواده جست و جو می‌کند که زمینه بسیاری از

۱. اضطراب عبارت است از: ترس مبهم، احساس ناامنی و احساس حقارت (علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، ص ۲۷۷).

فریب‌ها و انحرافات از همین جا فراهم می‌شود.^۱

حصول محبت محتاج دانش و کوشش

اگر بپذیریم که محبت و دوست داشتن، هنر است آیا تحصیل آن هنر به دانش و کوشش نیاز دارد یا این که محبت احساس خوشایندی است که دست‌یابی به آن، فقط به اقبال آدمی بستگی دارد و تنها، شخص خوش شانس عاشق می‌شود؟ مردم گمان می‌کنند محبت چیز بی‌اهمیتی است، در حالی که همه آنان تشنه محبتند، کم‌تر کسی باور دارد که محبت و دوست داشتن نیز مانند هنرهای دیگر، به آموزش و شناخت نیاز دارد.

این نگرش مبتنی بر اصول زیر است:

۱. در وهله اول، مشکل اکثر مردم این است که پیش از آن که خود محبت کنند و دیگران را دوست بدارند، از دیگران توقع دارند که دوستشان داشته باشند. در نتیجه مشکل این گونه افراد این است که چه کنند تا دیگران دوستشان بدارند و دوست داشتنی باشند و برای راه‌یابی به این هدف، شیوه‌های گوناگونی را دنبال می‌کنند. راهی که به ویژه مورد استفاده مردهاست، این است که شخص در حد موقعیت اجتماعی خود، موفق، قدرتمند و ثروتمند باشد. راه دیگری که به خصوص زن‌ها از آن بهره می‌گیرند، تلاش برای جلوه‌برازندگی و دل‌ربایی به وسیله خودآرایی، شیک‌پوشی و غیره است. در حقیقت آن چه را که اکثر مردم با فرهنگ فعلی از محبوب بودن درک می‌کنند، اساساً ترکیبی از مردم‌پسندی و جذابیت جنسی است. اعتقاد به این قضیه، مولود طرز تفکر غلطی است که معتقد است در محبت چیزی برای آموختن وجود ندارد و چنین استدلال می‌کند که مشکل محبت، مشکل محبوب

۱. رک: همان، ص ۲۵۱ - ۲۵۳؛ محمد خدایاری فرد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۱؛ محمدرضا شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۶۸.

است، نه مشکل استعداد.

۲. ویژگی‌های فرهنگی: اساس فرهنگ معاصر^۱ بر اشتباهی سیری ناپذیر مبادلاتی، پایه‌گذاری شده است که برای هر دو طرف سودمند باشد. خشنودی انسان امروز، در لذت بردن از تماشای و بترین مغازه‌ها و تهیه هر چه بیش تر اجناس از آن‌ها به نقد و اقساط است. زن و مرد، مردم را نیز با همین دید نگاه می‌کنند. از نظر مرد، یک زن جالب و از نظر زن، یک مرد جالب، غنیمتی است که هر دو طالب آنند. لفظ «جالب» معمولاً به مجموعه‌ای از صفات مردم پسند اطلاق می‌شود که به منظور خرید فرد واجد آن صفات، بازار شخصیت را جست و جو می‌کنند. آنچه شخص را از نظر ظاهری و عقلانی جالب جلوه‌گر می‌سازد، بستگی به این دارد که چه صفاتی مد روز باشد. لذا احساس دوست داشتن معمولاً تنها با در نظر گرفتن این احساس باطنی پدید می‌آید که با چه کالایی رو به رو هستیم و این کالای انسانی نسبت به دیگران تا چه میزان ارزش معاوضه دارد، یعنی من اهل معامله هستم. کالا باید از نظر ارزش‌های اجتماعی مطلوب باشد و نیز با توجه به دارایی و امکانات محسوس و غیر محسوس من، قابل قبول باشد. بنابراین، دو نفر وقتی عاشق و شیدای یک دیگر می‌شوند که در بازار، بهترین کالا را با توجه به تقایص و ارزش آن، یافته باشند.

۳. اشتباه دیگری که موجب پیدایش این توهم می‌شود که محبت نیازی به آموختن ندارد، در این نکته پنهان است که احساس دوست داشتن نخستین و حالت دایمی «با محبت ماندن» را به جای یک دیگر اشتباه می‌گیریم؛ مثلاً دو نفر با هم آشنا می‌شوند، دل‌بستگی معجزه‌آسای نخستین، روز به روز تحلیل می‌رود و بین آن‌ها اختلاف می‌افتد و سرانجام، تلخ کامی، نومیدی و سرزنش‌های دو جانبه، باقی مانده هیجان‌های اولیه را از بین می‌برد؛ هر چند که در آغاز از چنین سرانجامی باخبر

۱. شایان ذکر است که منظور از فرهنگ معاصر، فرهنگ اصیل اسلامی و فرهنگ حقیقی ایرانی نیست، بلکه همان فرهنگ غرب است که دشمنان بر کشور ما تحمیل کرده‌اند و متأسفانه جامعه ما شاهد ظهور آثار ناگوار آن است.